

نگاهی نقادانه به ادله فیلترینگ از دیدگاه اسلام

سجاد کوهی^۱

چکیده

وجود ادعاها و شعارهای مکرر تو سط جهان غرب و به‌ظاهر نواندیش درباره اختیارات افراد و آزادی‌های آنها، طرفداران ادیان را با چالشی جدی روبرو کرده است و نظریه‌پردازان هر دینی را به تکاپو و پاسخ‌دهی واداشته است. اسلام نیز از این امر مستثنی نبوده است. عده‌ای در مقام اسلام‌شناسی و نظریه‌پردازی اسلامی بر این سؤال پاسخ گفته‌اند که اسلام در مقابله با افکار و رفتارهای علی‌الخصوص باطل افراد چه نظریه و عکس‌العملی دارد؟ آیا انسان‌ها را از بیان و رفتار باطل منع می‌کند و یا اینکه آنها را آزاد در این زمینه می‌داند؟ آیا اسلام موافق با فیلترینگ و محدود سازی های وضعی است یا اینکه کلاً قائل به آزادی بیان و نشر عقائد می‌باشد؟ آنچه اهمیت قضیه را بیشتر می‌کند نظرات کاملاً ضدونقیض داعیه‌داران اسلام‌شناسی است و متأسفانه بر طبق این نظرات سطحی رفتارها و یا بعضاً در مراحل کلانتر، سیاست‌گذاری‌های کاملاً غلطی هم اتخاذ می‌نمایند. اما با توجه به ادله مطرح شده در این باب و بررسی حدود ۱۵ دلیل مختلف عقلی و نقلی می‌توان نتیجه گرفت که اسلام رویکردی تفصیلی و بر محوریت فائده مندی در برخورد با این پدیده اتخاذ نموده است.

واژگان کلیدی

آزادی، آزادی بیان، پیشگیری وضعی، محدودیت های بیانی، سرکوب گفتاری، فیلترینگ

مقدمه

آزادی بیان از جمله عبارت‌هایی است که امروزه مکرراً در میان عموم مردم و همچنین خواص و صاحبان فکر و اندیشه به کار رفته و نظرات ضد و نقیضی هم بیان می‌شود. عده‌ای قائل به آزادی بیان و فکر و اندیشه هستند و به تبع آن هر گونه فعالیت اعتقادی و فکری و... را در فضای اجتماعی جائز پنداشته و آن را مصداق آزادی بیان و تفکر می‌دانند. عده‌ی دیگری کاملاً مخالف با آنها و قائل به محدودیت فکر و اندیشه بشری در عرصه اجتماعی هستند. یقیناً این بحث‌ها و کش و قوس‌ها، یک فرد مسلمان را نیز به چالش می‌کشد و برای او نیز سوال ایجاد می‌کند که نگاه اسلام در این زمینه چیست؟ آیا نظر اسلام موافق با دیدگاه گروه اول است یا دوم و یا اینکه قائل به دیدگاه سومی غیر از دو دیدگاه مذکور می‌باشد؟ طبیعتاً یکی از بحث‌هایی که متفرع بر این بحث می‌شود این سوال است که چه مقدار دین اسلام قائل به فیلترینگ یا پیشگیری های وضعی می‌باشد؟ آیا محدود سازی گفتمان را قائل است یا اینکه قائل به آزادی سخن و عملکرد افراد می‌باشد و برای جلوگیری از اثرات سوء انحرافات به روش های درمانی پرداخت است؟ فلذا سوال اصلی ما این است که از نگاه اسلام "فیلترینگ" چه جایگاهی دارد؟

امروزه با مراجعه به قوانین و اجرائیات کشور های غربی متوجه می‌شویم که برای بیان نظرات و تفکرات، چارچوب‌هایی را قرار داده اند و تخطی از آن چارچوب‌ها را به نسبت شدت و ضعف مستحق مجازات و تنبیه می‌دانند. برای مثال گفتمان در مورد

^۱ سطح ۳ حوزه علمیه قم، دانشجوی ارشد دانشگاه تهران

انکار هولوکاست در کشور های اروپایی امری کاملاً ممنوع می باشد (Bazyler, Michael, 2017, pp 183-210) یا برای مثال در کشور فرانسه تبلیغات در مورد اسلام به صورت قانونی ممنوع می باشد و مجازات در پی دارد.^۱ اما وقتی به کشور ایران نگاه می کنیم، وقتی سخن از محدودیت در بیان و فیلترینگ به میان می آید، عدای شعار آزادی بیان و اندیشه سر می دهند و مخالفت کرده و عقیده شان بر این است که هر کسی با هر تفکر و سلیقه ای اجازه دارد فعالیت های اجتماعی انجام دهد چه اشخاص حقوقی و چه حقیقی. بنا بر این هدف از این مقاله این است که به صورت کاملاً تحلیلی و علمی و با بیان دلائل ممکن، دیدگاه دین اسلام را در مورد «محدودیت در بیان و فیلترینگ» یا سلب موضوعی را بررسی و تبیین نماییم.

۱. مفهوم شناسی «محدودیت بیانی و فیلترینگ»

نگارنده برای اینکه از عبارت بیگانه «فیلترینگ یا سانسور» استفاده ننماید عبارت «محرومیت یا محدودیت بیانی» را به کار برده است. بنابراین این دو عبارت تقریباً معادل فارسی کلمه «Filtration و censure» به معنای پایش یا صاف نمودن و سرکوب گفتار می باشد. شاید بتوان معادل عربی آن را تصفیه و معادل فارسی آن را پایش یا سرکوب گفتاری نیز نامید. در اصطلاح رسانه ای عبارت است از محدود کردن دسترسی کاربران اینترنت به وبگاه ها و خدمات اینترنتی که از دیدگاه متولیان فرهنگی و سیاسی هر کشور برای مصرف عموم مناسب نیست.

می توان گفت که این اصطلاح در مصداق، شبیه مصداق پیشگیری وضعی یا همان situation prevention می باشد که در آن زمینه های ارتکاب جرم محدود می شود و فرد زمینه و موضوعی برای انجام جرم پیدا نمی کند یا اینکه ارتکاب جرم را سخت می کند. برای مثال برای جلوگیری از دزدی اموال، گاو صندوق ها و دوربین های نظارتی ایجاد شد یا برای جلوگیری از مفاسد اخلاقی، نسبت به پوشش ها یا برخی محدودیت های رفتاری در دنیای اسلام و حتی دنیای غرب دستوراتی بیان شد.

۲. اقوال و نظرات

برای بررسی نگاه اسلام به این موضوع به نظر می رسد ابتدا باید بررسی گردد که آیا اسلام نگاهی مطلق به این بحث دارد یا اینکه قائل به تفصیل می باشد؟ آیا اسلام به طور کلی افراد را در بیان نظرات و دیدگاه ها و تفکراتشان آزاد می گذارد یا اینکه منع و محدود سازی می کند و یا راه حلی تفصیلی پیشروی پیروان خویش می گذارد. با توجه به ادله و سیره عملی اهل بیت متوجه می شویم که اسلام نظر سوم را می پذیرد و در این موضوع نگاهی تفصیلی دارد. دلیل این ادعا در بخش نهایی نوشتار بیان می شود.

^۱ بر اساس قانونی که پیش نویس آن در اوایل دهه ۸۰ قرن نوزدهم، توسط تعدادی از اعضای آژانس بین المللی صهیونیسم، تحت سرپرستی «رنه ساموئل سپرات»، خاخام معروف فرانسه تهیه و در ژوئیه سال ۱۹۹۰م. در فرانسه به تصویب رسید، هرگونه تردید درباره «هولوکاست»، اعم از تردید درباره کشتار - مورد ادعای - یهودیان در جنگ جهانی دوم، وجود اتاق های گاز و حتی کمترین تردید در رقم ۶ میلیونی یهودیان کشته شده، جرم تلقی می شود و هرکس در فرانسه از این قانون تخلف کرده، در سه موضوع یاد شده تردید کند، به یک ماه تا یک سال زندان و پرداخت ۲ هزار تا ۳۰۰ هزار فرانک جریمه محکوم می شود.

^۲ <https://www.thelocal.fr/20220930/explained-does-france-really-have-a-hijab-ban>

^۳ فرهنگ فارسی معین و <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۱۳.۳ ادله

با بررسی ادله اربعه شیعه در مساله پیشگیری وضعی و «محدودیت و سرکوب گفتاری و فیلترینگ» می توان حدود ۱۳ دلیل را استقرا نمود که ممکن است برای اثبات و رد «فیلترینگ» یا محدودیت سازی آزادی اندیشه و بیان به کار برود. به ترتیب ابتدا ادله مانعین محرومیت و سپس ادله قائلین به محرومیت را بیان کرده و علی حده هر کدام را بررسی می نماییم.

۱۳.۳.۱ ادله مخالفین فیلترینگ و سرکوب گفتاری

۱. سیره رفتاری اهل بیت ع در مقام مناظره و بحث های علمی با صاحب نظران با مطالعات متون دینی و تاریخی مکرراً دیده می شود که امام رضا علیه السلام یا امام کاظم یا امام جواد علیهم السلام به مناظره با مجسمه و زنادقه و اشاعره و ... پرداخته اند و با حوصله تمام و سعه صدر به آنها پاسخ داده اند (شیخ صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۶۳). اینکه حضرت خود را در مقام پاسخ گویی در محفل سوال و مناظره قرار می دهد نشان از این دارد که گفتن این سوالات و مسائل هم بلا اشکال می باشد. و الا لازم بود که حضرت به صورت موضوعی با این رفتار مقابله کنند و بیان چنین مسائلی را در محافل عمومی تخطئه نموده و مانع بیان عمومی آنها شوند نه اینکه با پرداختن به پاسخ آنها مهر تاییدی بر جواز بیان عمومی آن باشند. بنابراین تقریر و سکوت حضرت دلیل بر جواز بیان عقائد می باشد. البته باید توجه داشت که این رفتار حضرات معصومین دلیلی بر تایید مدعای باطل آنها نیست بلکه صرفاً دلالت نسبت به بیان عمومی آنها دارد.

نقد و اشکال:

اولاً: حضرات در مقام و جایگاه حکومتی مناسبی نبوده اند که نهی وضعی آنها مثر ثمر بوده باشد به این معنا که به صورت حکومتی از بیان و انتشار جنین عقائد انحرافی جلوگیری کنند. علاوه بر اینکه عرصه و محفل غالباً برای تخریب علمیت حضرات بنا نهاده شده بود و عدم پاسخ گویی حضرات به این سوالات غرض پلید خلیفه را عملیاتی میکرد. بنا بر این تقریر امام دلیل بر جواز مطلق ارائه و انتشار عقائد باطل نیست. ثانیاً: بر فرض اینکه از سکوت حضرات رضایت ایشان فهمیده شود و به بیان دیگر تقریر امام در اینجا حجیت داشته باشد، باز نمی توان مطلق جواز ارائه و انتشار تفکرات باطل را استنتاج کرد به این دلیل که این محافل، محافل علمی و خاص بوده است که امام و فرد مقابل در مقام پرسش و پاسخ تخصصی می باشد فلذا نهایت چیزی که می توان ثابت کند جواز بیان چنین عقائدی در محافل نقد و بررسی تخصصی می باشد نه به صورت مطلق.

۲. درخواست عمومی و علنی برای پرسیدن سوالات خویش از حضرات

بررسی روایاتی با مضمون سوال از ائمه معصوم ع مثل روایت «سلونی قبل ان تفقدونی» (سید رضی، تصحیح صبحی صالح، ۱۴۰۴ق، خطبه ۱۸۹، ص ۲۸۰) این مطلب را بیان می دارد که بیان عمومی عقائد امری بلا اشکال است چرا که حضرات معصومین نه تنها اجازه به این مطلب داده اند بلکه چنین مطلبی را از عموم مردم طلب نیز نموده اند. به این صورت که مردم سوال و شبهه های خویش را به صورت عمومی از امام بپرسند.

نقد و اشکال

اولاً: اینگونه روایات در محل رفع شبهه و جواب در مقابل صاحب علم می باشد. یعنی جواز بیان اشکال و نقدر نظر در محضر فردی متخصص و صاحب علم برای پیدا کردن حقیقت و جواب را بیان می کند نه اینکه به طور مطلق هرگونه بیان نظرات و عقائد و شبهات در هر عرصه و محفل و مخاطبی را جائز بشمارد.

ثانیا: توصیه و یا دستور به سوال کردن از امام نمی تواند منحصر در سوال عمومی و در ملا عام بوده باشد و این احتمال که با توجه به قرائن، سوال به صورت شخصی از حضرات پرسیده شود هم وجود دارد و این احتمال هم احتمالی عرفی است. بنا بر این نمی توان از این روایت اشاعه و بیان شبهات در ملا عام و برای عموم مردم را فهمید.

۳. اجازه بیان نظرات مخالفان در جمع شاگردان و درخواست جواب از طرف شاگردان

متعدد دیده شده است که فردی با عقائد منحرف نزد حضرات معصومین آمده است و امام از او خواسته اند تا سوال خویش را در جمع شاگردان مطرح نماید. سپس از شاگردان خویش خواسته اند که جواب او را بدهند (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۸، ص ۲۰۳). طبق این روایت اشکال دوم ادله سابق وارد نیست چرا که امام به طور صریح می خواهد که عموم افراد سوال و شبهه خویش را بیان کنند. بنا بر این لازمه این عمل این است که بیان نظرات مخالف در جمع بلا مانع بوده باشد.

نقد:

درست است که ممکن است اشکال دوم دلیل قبلی وارد نباشد ولی هنوز اشکال اول وارد است و محل بحث و سوال جایی بوده است که در محفل پرسش و پاسخ و به صورت تخصصی و در محضر صاحبان علم بوده است نه عموم مردم.

۴

۴. آیه لا اکراه فی الدین (بقره: ۲۵۶)

منطوق و ظاهر این آیه و روایات با این مضمون (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴۱۷) این است که در دین اکراه و اجباری وجود ندارد. از این رو در ضمن این حکم کلی می توان گفت که مانع و اجباری نیز برای بیان عقائد و تفکرات و فعالیت های اجتماعی مخالف با اسلام نیز وجود ندارد و همه مردم آزاد به هرگونه تفکر و ابراز و اشاعه و فعالیت می باشند. موید این برداشت کلی، نفی جنس موجود در آیه است که هر نوع اکراهی را نفی کلی می کند، چه در دین داری، چه در ابراز، چه در اشاعه و چه در رفتار و فعالیت. در هیچ یکی از این موارد اکراه و اجباری وجود ندارد بنابراین دلیل واضحی برای ممنوعیت «فیلترینگ» یا همان «محدودیت و سرکوب گفتاری» می باشد.

نقد و بررسی

در مورد ظاهر این آیه و دلالت آن اختلاف نظر بسیاری بین متکلمین و مفسران و فلاسفه وجود دارد. که به فراخور موضوع مقاله صرفا به بیان اجمالی نظرات مفسران پرداخته میشود.

نظرات مفسران:

۱. این آیه نسخ شده است و حجیت ندارد^۵

۲. در پذیرش دین نوعی اجبار قابل تصور است. یعنی می توان پذیرفت که در اصل پذیرش دین نوعی اجبار وجود دارد^۶

^۵ خواجه عبدالله انصاری، کشف الاسرار، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۸۰۶ و ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۴۱۴.

^۶ ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ۱۳۸۹ ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۳۸۴ و صدرای شیرازی، تفسیر القرآن الکریم،

۱۳۶۶ ش، ج ۴، ص ۱۹۳؛

۳. ایمان با اکراه یکجا جمع نمی شود و اجبار فقط در رفتار ظاهری می تواند تاثیر بگذارد. بنا بر این معنای لا اکراه فی الدین یعنی در ایمان اکراهی وجود ندارد.^۷
۴. عدم اجبار به پذیرش ولایت امام عادل منظور است و دین در اینجا ولایت می باشد.^۸ کاربرد فقهی: علامه طباطبایی در تفسیر خویش می فرماید: «حتی کفار هم نباید اجبار به پذیرش دین اسلام داشته باشند. این ممنوعیت ممنوعیت انشائی تشریحی است نه اینکه تکوینا خداوند آنها را مسلمان خلق می کند.» (علامه طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۳۴۲ و ۳۴۳).
۵. آیات دلالت بر نهی از کتمان حق با توجه به آیات «یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق» (آیه ۷۱ آل عمران) و «ان الذین یتکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی» (آیه ۱۵۹ بقره) اشکال وارد بر آیه لا اکراه فی الدین که مربوط به پذیرش بود نه ابلاغ و ابراز در این آیات وارد نیست چرا که این آیات صراحتاً در مورد ابلاغ و ابراز سخن به میان آورده اند. آیات مذکور کتمان حق را امری قبیح فرض کرده است. بنا بر این از این دو آیه می توان برداشت کرد که بیان عقائد و نظرات از دیدگاه اسلام نه تنها جائز بلکه ممدوح نیز می باشد.

نقد و بررسی

با توجه به عبارات به کار رفته در آیات مذکور و قیودی که ذکر شده است مشخص می گردد که این دو آیه اطلاق و عمومیت ندارند و صرفاً در مقام بیان انتشار مطالب حق و وحی الهی می باشد و نمی توان از عمومیتی که از این جهت دارد موارد جواز بیان هر مطلبی اعم از حق و باطل را اثبات نمود. چرا که الفاظ عام صرفاً شمولیت نسبت به تمام افراد زیر مجموعه خود را اثبات می کنند نه افراد خارج خود. برای مثال وقتی گفته میشود همه عالمان را باید اکرام کرد، شمولیتی دارد صرفاً برای تمامی زیر مجموعه های عالم مطرح است نه خارج از دایره علماء. بنا بر این نمی تواند دلیل بر این باشد که انتشار و بیان مطالب به هر نحو ممکنی جائز است.

۶. آیه «و ذکر فان الذکری تنفع المومنین» (آیه ۵۵ ذاریات)

این آیه به پیامبر اکرم ص توصیه می کند که بایستی یادآوری کند چرا که یادآوری کردن به مومنان سود می رساند. یادآوری کردن نیز ملازمه با بیان و انتشار و ابلاغ در جامعه دارد. پس این آیه در مورد پیامبر اجازه بلکه دستور به ابلاغ و انتشار و ابراز عقائد را می دهد. از آنجایی که پیامبر اکرم ص برای مسلمان الگو معرفی گشته است و رفتارها و گفتارها و منش او اسوه و حجت رفتاری برای مسلمانان است و سیره او به عنوان یکی از ادله اربعه شیعی به حساب می آید، بنا بر این مطلق بیان و انتشار و ابراز عقائد و دیدگاهها برای عموم مردم نیز ممدوح و جائز شمرده می شود.

نقد و بررسی

این استدلال از دو جهت مورد اشکال است:

^۷ قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۷۷ش، ج ۶، ص ۱۰۸ و علامه طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۳۴۶-۳۴۹.

^۸ فیض کاشانی، تفسیر الاصفی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۲۱.

اولا این آیه به منظور ابلاغ و انتشار و یا یادآوری هر نوع مطالبی نمی باشد و با توجه به قرائن حالیه و همچنین سیاق آیه که در مورد «ذکری» و «فائده مندی برای مومنان» می باشد و همچنین قرائن و شواهد خارجی، می توان دریافت که منظور مطالب حق و الهی بوده است.

ثانیا الگو بودن پیامبر با توجه به شئون عمومی ایشان معنی پیدا می کرده است نه به طور کلی و از هر جهتی. به بیان دیگر اینگونه نبوده که پیامبر از هر جهتی الگو بوده باشند بلکه از آن جهت که با باقی مردم شبیه بوده اند الگو می باشند. بر فرض مثال کسی قائل به این مطلب نمی شود که چون پیامبر ادعای نبوت کرده است پس من نیز ادعای نبوت می کنم. یا مثلا چون اداره امور را چون پیامبر برعهده داشته و دستوراتی بیان می داشته اند پس همه مردم جائز به این امر هستند. در مورد حجیت سیره نبی اکرم نیز این چنین است.

۷. آیه «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» (آیه ۱۷ و ۱۸ زمر)

این آیه دلالت بر این دارد که استماع قول و انتخاب بهترین های آنها یک خصلت و ویژگی مثبت از نگاه دینی می باشد. لازمه اینکه استماع اقوال مختلف اتفاق بیافتد این است که اقوال مختلف جواز انتشار در جامعه اسلامی را داشته باشند و الا تحسین استماع آنها بدون وجود موضوع له آن (اقوال مختلف) لغو می باشد. بنا براین آیه به صورت التزامی دلالت بر جواز انتشار و بیان نظرات و اقوال مختلف را دارد و در مقابل به مومنان روش برخورد با این اقوال گفته شده است که آنها را استماع کنند و بهترین آنها را فراگیرند.

نقد و بررسی

این آیه نیز نسبت به مدعای مد نظر نمی تواند دلیل داشته باشد. به خاطر اینکه :
اولا: آیه دارای احتمالات مختلف است و اینگونه نیست که هر قولی را شامل شود. بلکه در صورتی همه اقوال و نظرات را شامل می شود که «ال» کلمه «القول» را جنس بگیریم. اما امکان اینکه ال در اینجا برای عهد به معنای یک قول خاص باشد نیز مطرح است. همان طور که مرحوم علامه می فرمایند: «منظور از قول در اینجا چیزی است که انسان را به حق بکشاند.» (علامه طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۷ ص ۳۸۰) البته این عبارت که از میان این اقوال احسن آنها را باید انتخاب نمود نیز موید این مطلب است که منظور از «القول» به معنای تمامی اقوال اعم از حق و باطل نیست. به این دلیل که افعال تفضیل در جایی استفاده می شود که باقی افراد نیز متصف به آن ویژگی باشند ولی فرد یا گروهی در اتصاف به آن ویژگی برتر از باقی باشند. برای مثال وقتی گفته می شود نماز اقراب طرق برای رسیدن به خداوند متعال است به این معنا است که باقی اعمال و عبادات نیز راه های رسیدن به خداوند می باشند ولی نماز قریبترین آنها می باشد. پس اقوالی که عباد الله آنها را استماع می کنند اقوال حسنه هستند و آنها بهترین این اقوال را اتخاذ می کنند. پس با این توضیحات آیه دلالت بر انتشار و ابلاغ ملازمه ای همه اقوال چه حق و چه باطل را نمی دهد و نمی توان ثابت کرد که آزادی مطلق در جامعه باید حکم فرما باشد.

ثانیا: بر فرض اینکه آیه دلالت بر استماع تمام اقوال چه حق و چه باطل داشته باشد، نمی توان از طریق دلالت التزامی جواز نقل و بیان و انتشار را استنتاج نمود. به این دلیل که این دلالت التزامی به خاطر بطلان لغویت می باشد. یعنی برای اینکه لغویت چنین بشارتی رد گردد که اقوال مختلف را استماع می کنند، ادعا شده که باید بیان نظریات باطل هم جائز باشد تا آن بشارت موضوع پیدا کند، در حالی که صحت چنین بشارتی نه مستلزم جواز انتشار اقوال باطل

است و نه لزوم انتشار. زیرا استماع مطلق قول با وجود چند قول حق موضوع پیدا می کند و از لغویت خارج می شود. بنا بر این لزومی ندارد که اقوال باطلی هم وجود داشته باشند. از طرف دیگر دلیل بر جواز انتشار هر امر باطلی هم نیست. برای مثال وقتی گفته شود که «مومن بین مال حرام و حلال، مال حلال را انتخاب می کند. آفرین به این رفتار او» آیا این امر دلالت التزامی دارد که افراد دیگر می توانند به همدیگر مال حرام تقدیم کنند و یا خرید فروش به صورت حرام را تجویز می کند تا اختیار مال حلال معنا و موضوع پیدا کند؟ یقیناً جواب منفی است. بنا بر این در آیه مد نظر نیز عباد الله از میان همه این اقوال حق و باطل (هر چند باطل به صورت غیر مجاز در جامعه انتشار پیدا کرده باشد) حق را انتخاب می کند. پس دلالتی بر جواز یا لزوم انتشار و وجود اقوال باطل در جامعه اسلامی ندارد.

۱.۳.۲. موافقین با فیلترینگ و سرکوب گفتاری

۱. روایات با مضمون حرمت اشاعه فحشا در جامعه

با مطالعه متون روایی شیعه متوجه دسته ای از روایات می شویم که مضمون آنها حرمت اشاعه فحشا و منکرات در جامعه اسلامی میباشد. از جمله آنها روایتی است که می فرماید: «المذبح بالسیئه مخذول و المستتر بالسیئه مغفور له» (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، ج ۷۳ ص ۳۵۶)

این روایت دال بر این است که اذاعه و اشاعه امر سیء و ناپسند در جامعه اسلامی مذموم می باشد. فلذا به دلالت تضمینی بیان اباطیل را هم شامل می شود. به این صورت که بیان اباطیل چون جزئی از امور سیئه و ناپسند می باشد شامل حکم مذکور و آن مذمت می شود. بنا بر این افرادی که تبلیغ مرجئه، شیطان پرستی، آتئیست و انواع و اقسام شبهات یا دیگر افعال سیءی که منافات با اهداف اسلامی جامعه دارد، مذموم شمرده می شوند. هر چند این آیه در مقام بیان تکلیف دولت اسلامی نیست ولی می توان از آن مذمومیت بیان و انتشار عقائد باطل را برداشت کرد و زمانی که وظیفه حکومت را زمینه سازی بر احقاق حق و جلوگیری از فساد در جامعه بدانیم، منع و محرومیت موضوعی چنین مطالبی هم به عنوان وظیفه حکومت اسلامی به حساب می آید.

اما این استدلال برای مدعای مورد نظر مخدوش میباشد زیرا احتمال دارد که منظور این دسته روایات انتشار فعل سیء در جامعه اسلامی است نه بیان آنها. به این صورت که فردی که یک فعل ناپسندی را در جامعه اسلامی به صورت علنی انجام میدهد، خواری و پستی به دنبال دارد زیرا باعث ناهنجاری اجتماعی گشته است، اما کسی که کار ناپسند را صرفاً در خفا انجام میدهد و آن را به عرصه علنی اجتماع نمی کشاند امید غفران و بخشش او وجود دارد. بنا بر این با احتمال معتنا به و غیر تبری ای که درباره این روایت ذکر شد، امکان استدلال نمودن به آن منتفی میگردد.^۹

۲. آیه مربوط به جریان مسجد ضرار

با توجه به آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره توبه و شان نزول این آیه، می توان برداشت نمود که اسلام در مقابل ترویج عقائد باطل ایستادگی نموده و به صورت وضعی با این مساله مقابله نموده است.

آیه مربوط به زمانی است که منافقین مدینه در این شهر به بهانه دور بودن از مسجد النبی و عدم توانایی حضور عده ای ناتوان در مسجد النبی مسجدی را بنا نهادند و از پیامبر اکرم ص درخواست کردند که برای تیمن و تبرک در این مسجد نیز نمازی بگذارند. اما به جهت حرکت به سمت جنگ تبوک این امر را به بعد از جنگ موکول کردند. نکته

^۹ اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال

قابل توجه در این میان این است که قصد اصلی منافقین از تاسیس این مسجد بنا نهادن محلی برای اجتماع و هم فکری های منافقین و همچنین به توصیه ابو عامر برای یاری هرقل بنا نهادن شد. پس از اتمام جنگ تبوک حضرت در راه برگشت قصد نماز گزاردن در این مسجد را داشتند که آیه نازل شد و بیان داشته که «و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم. و [لی] خدا گواهی می دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند.» فلذا دستور به تخریب و به آتش کشیدن این مسجد را دادند. با توجه به این آیه، اسلام در مقابل کسانی که قصد انتشار عقائد باطل را داشتند به صورت موضوعی و فعالانه برخورد نمودند و منشا انتشار را از بیخ و بن خشکاندند.

نقد و بررسی

این دلیل از چند جهت ممکن است مورد خدشه قرار بگیرد:

- ۱) احتمال اینکه علت تخریب مسجد ضرار، فتنه ای بوده باشد که در آینده قرار بود اتفاق بیافتد. بنا بر این خداوند متعال با توجه به علم سابق خویش برای جلوگیری از آن فتنه مخرب، دستور به تخریب این مسجد داد. با وجود این احتمال نمی توان استناد به این آیه داد که اسلام در مقابل ترویج عقائد باطل چنین برخوردی کرده است. بر این آیه دلالتی بر مطلب نمی تواند داشته باشد.
- ۲) احتمال اینکه علت چنین برخوردی از اسلام این بوده است که این مسجد پایگاه و مرکز چینی تفکراتی خواهد بود. ظاهر آیه که از عبارات «ضرار و کفر و تفریق بین مومنان و کمینگاه مشرکان» استفاده کرده است این احتمال را تقویت می کند. بنابراین مخالفت اسلام با تمرکز و رسمیت داشتن و فعالیت های ساختاری متفکران باطل می باشد نه اصل ارائه چنین تفکراتی. پس این احتمال نیز موافقت اسلام با محرومیت و محدودیت موضوعی عقائد و نظرات مخالف را ثابت نمی کند.

۳. حکم عقل به دفع ضرر محتمل

وجود و انتشار قول باطل در جامعه باعث تکثیر تفکر باطل و از بین رفتن تفکر حق و تضعیف جبهه حق می گردد و کم رنگ شدن و از بین رفتن حق در جامعه مفاسد انکار ناپذیری را به مردم از جهت اعتقادی و ایمانی و ... می زند و تمام زندگی را تحت الشعاع خود قرار می دهد. با مسلم بودن ضرر از بین رفتن حق، همین مقدار که انتشار تفکرات باطل احتمال از بین بردن حق را هم بوجود بیاورند یا تقویت بخشند، موضوع وجوب حکم عقل به وجوب دفع ضرر محتمل نیز بوجود می آید. باید یاد آور شد که در محل بحث هم محتمل بالاست هم احتمال. یعنی هم اهمیت از بین رفتن حق بسیار بالاست و ضرر معتنا به و مهمی شمرده می شود و هم احتمال اینکه با انتشار مطالب باطل چنین اتفاقی بیافتد بالاست. بنابراین قوت و دلالت این حکم عقلی بیشتر نمایان می گردد.

^{۱۱} یکی از مشرکین مکه بوده است که بعد از فتح مکه به سمت دمشق یا در برخی نقل ها به سمت روم شرقی فرار کرد.

^{۱۲} یکی از پادشاهان روم که قصد حمله به اسلام را داشت

^{۱۳} توبه ۱۰۷: وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ ۚ وَكَيْفَ لَنْ يَنْزِلَ إِلَيْنَا إِلَّا الْخُسْفَىٰ ۚ وَاللَّهُ يَشْهَدُهُمْ لَكَذِبُونَ

۴. آیه « و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيله بغير علم » (آیه ۱۳ لقمان)

ایه فوق در صدد مذمت عده‌ای از مردم هست که با هدف گمراه سازی مردم، خریدار لهو الحديث می باشند. لهو الحديث طبق بیان مفسران به معنای کلامی است که انسان را از امورات مهم باز دارد و او را از حق دور سازد، مثل قصه های خرافی یا داستان هایی که انسان را به فسق و فجور بکشاند. (علامه طباطبایی، محمدحسین ۱۳۹۳ ق، ج ۱۶ ص ۳۱۳) مذمت رفتار چنین افرادی (خریدن لهو الحديث) به صورت ملازمه ای دلالت دارد بر اینکه بیان و انتشار اینگونه تفکرات نیز مذموم میباشد؛ چرا که مناط این آیه به گمراهی کشاندن مردم است و رفتار شنوندگان این لهو الحديث با نشر دهندگان آنها در این جهت مشترک هستند. به بیان دیگر اشتراء لهو الحديث موضوعیت ندارد و این حکم شامل بائعان و ناشران هم می باشد. چرا که مناط که گمراهی مردم باشد در هردو وجود دارد.

۵. آیه «فاجتنوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور» (آیه ۳۰ حج)

عمومیت آیه دلالت بر حرمت مطلق قول زور دارد. قول زور در لغت به معنای کذب و باطل و تهمت گفته شده است. (طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ ش، ج ۳ ص ۳۱۹). بنا بر این آیه مردم را از گفتار باطل نهی میکند. نهی مطلق در این آیه به معنای پیشگیری از بیان و استماع قول زور می باشد. علاوه بر اینکه «اجتنلوا الرجس من الاوثان» که در صدر آیه مطرح شده است، ابتدا مناط حکم را به رجس و پلیدی بودن برده است پس با من بیان جنس بیان کرده است که منظور اوثان و بت ها می باشد. این امر نشان دهند هاین است که نهی به مطلق رجس تعلق گرفته است که یکی از مصادیق آن بت می باشد. فلذا می توان گفت که هر آنچه پلیدی به حساب بیاید شامل دلالت اجتنبوا و نهی از آن می شود.

البته سوالی که اینجا وجود دارد این است که در اینجا نهی به اعیان خارجی یا غیر فعل مکلف تعلق گرفته است در حالی که چنین چیزی ممنوع می باشد فلذا می بایستی متعلق «اجتنبوا» مشخص گردد. شان نزول آیه در مورد حج و مناسک باطل آن در رفتار مشرکان می باشد. به همین خاطر است که آیه کلمه «اوثان» را مطرح نموده است. (علامه طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۴ ص ۵۲۶). اما عمومیت این آیه شامل هر نوع رفتاری با مصادیق رجس می باشد. بنابراین ساخت و خرید و فروش و نگهداری همه متعلق اجتناب می باشد. از طرف دیگر متعلق نهی دومی که مربوط به قول زور می باشد با توجه به ارتکاز عرفی از نهی قول زور ۲ احتمال بیشتر ندارد: ۱. استماع قول باطل ۲. بیان و انتشار قول باطل که آیه امکان عمومیت و شمول نسبت به هر ۲ احتمال را دارد. بر فرض اینکه نهی در «اجتنبوا قول الزور» مربوط به شنیدن و استماع قول زور هم بوده باشد با توجه به طریق اولویت می توان نتیجه گرفت که بیان و انتشار اقوال باطله به طریق اولی محل نهی و اشکال شارع می باشد. چرا که مناط در این نهی ها انحراف از مسیر حق می باشد. کسی که قول باطل را منتشر می کند زمینه سازی برای انحراف مردم می کند. به همین خاطر مورد نهی شارع می شود. همان گونه که استماع قول باطل زمینه این انحراف می باشد. بنا بر این با توجه به عمومیت آیه فوق می توان نتیجه گرفت اسلام قائل به اجتناب از انتشار قول باطل می باشد.

۶. روایت «انما حرم الله الصنعة التي هي حرام كلها. التي يجيء منها الفساد محضا ...» (ابن شعبه حرانی، حسن بن علی،

۱۴۰۴ ق، ج ۱ ص ۳۳۵)

طبق ظاهر این روایت که از امام صادق علیه السلام نقل شده است خداوند متعال هر فعالیتی که فساد محض از آن ساطع می شود و خیری در آن نیست را به طور کلی حرام کرده است. فلذا هر گونه استعمالی از جمله انتشار، ساخت یا

پرداختن به چیزهایی که فساد محض هستند مورد نهی شارع قرار گرفته است و همین دلیلی بر جواز محرومیت موضوعی و یا همان پیشگیری وضعی می باشد.

علاوه بر این، صدر روایت نیز موید این برداشت و استظهار می باشد. در صدر روایت نوعی تفسیر از فساد محض بیان می کند که هر آنچه بوسیله آن کفر در تمامی وجوه گناه تقویت می شود یا اینکه بواسطه آنها حق سست می گردد. هر آنچه با آن به غیر خداوند تقرب جسته می شود و کفر و شکر تقویت می شود. همه اینها خرید و فروش و نگهداری و ... حرام است مگر اینکه ضرورت پیش آید.

فلذا ظاهر این قسمت نیز به جواز بلکه وجوب محرومیت و محدود سازی ابتدائی اشاره دارد. به این صورت که مصادیق و اسباب منکر از جامعه اسلامی به طور کلی باید زدوده شود.

نقد و بررسی

ای روایت با توجه به حسن بن علی بن ابی حمزه که یکی از راویان آن می باشد ضعیف به حساب می آید. حسن بن علی جزء روسای واقفیه به حساب می آمده است به همین خاطر تضعیف خاص در موردش وجود دارد. اما از آنجایی که شهرت عملیه آنها در مورد این روایت وجود دارد می تواند این شهرت عملیه جابر ضعف سند و یا بلکه اطمینان بخش باشد. البته شرط موثریت شهرت عملیه این است که از قدمات مدارس مختلف بوده باشد.

۷. اجماع منقول از کتاب المنتهی

صاحب ریاض المسائل در ج ۸ ص ۶۹ اجماعی را نقل می کند که در مورد حرمت تکسب به کتب حرام است. این اجماع کاشف از رای معصوم بر این مطلب که موافق تحریم و حذف موضوعی مصادیق شبهه و ضلالت از جامعه اسلامی می باشد.

نقد: این اجماع علاوه بر منقول بودنش مدرکی نیز می باشد. فلذا حجیتی نزد شیعه ندارد.

۸. مفهوم آیه کتمان

با توجه به آیات مربوط به کتمان حق یا وحی الهی متوجه می شویم که منطوق آیه، کتمان حق را مذمت می کند ولی از مفهوم آیه می توان برداشت نمود که کتمان باطل یک امر غیر مذموم بلکه پسندیده به حساب می آید. بنا بر این از مفهوم آیه می توان جواز بلکه رجحان محدود سازی کلامی را برداشت نمود.

نقد و بررسی

با توجه به اینکه لقب مفهوم ندارد یا به بیان علمی مفهوم لقب حجیت ندارد، نمی توان برداشت نمود که کتمان باطل یک امر جائز و یا پسندیده است. آیه صرفاً می خواهد کتمان حق را سرزنش نماید و هیچ توجهی به باطل و انتشار آن ندارد. چرا که اصلاً محل بحث نیز انتشار باطل نبوده است بلکه عده ای آیات خداوند و حقائق را کتمان می کرده اند و ناظر به آنها این آیه نازل شده است.

^{۱۳} شهرت عملیه از قدمات با مدارس مختلف نیازمند اثبات دارد.

نتیجه گیری و نظر نگارنده

با توجه به ادله موافقین و مخالفین و نقد و بررسی آنها می توان چنین نتیجه گرفت که عمده دلالی که به طور مطلق حکم به سرکوب گفتاری می دادند یا به طور کلی مخالف محدودیت و فیلترینگ بودند، مردود و نامقبول می باشد غیر از روایت حرمت افشاء فحشا و وجوب دفع ضرر محتمل و آیه «یشتري لهو الحديث» که همگی دلالت بر جواز بلکه لزوم محدودیت و پیشگیری وضعی در جامعه اسلامی را دارند.

اما با توجه به سیره عملی اهل بیت ع و به قرینه ادله ای که مخالفین بیان نموده اند می توان چنین گفت که علت لزوم محدودیت و سرکوب گفتاری از نگاه اسلامی «ضرر به جامعه اسلامی به خاطر ایجاد انحرافات» میباشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که

اولا افشاء مطالب حق، تخصصا خارج می شوند و اصلا ذیل موضوع این حکم وارد نمی شود. حتی کتمان و سرکوب بیان آنها مذموم شمرده شده (با توجه به آیه کتمان) و پیامبر ص ملزم به یادآوری و بیان آنها گشته است. (آیه ۵۵ ذاریات) ثانيا بیان مطالب باطل و یا شبهات در جمع محافل علمی خصوصی و یا هر محفلی که با هدف پرسش و پاسخ بنا نهاده شده است نیز جائز می باشد. برای مثال وقتی امیر المومنین ع در مسجد می گویند که «سلونی قبل ان تفقدونی»، علت اجازه بیان عمومی سوال این است که فردی عالم و متخصص در مقام پاسخ گویی قرار دادرد و امکان انحراف و به تبع آن ضرر به جامعه اسلامی وجود ندارد. یا وقتی شبهه ای در جمع شاگردان امام صادق ع اجازه طرح پیدا می کند یا خود حضرات در جلسات مناظره، سوالات و شبهه ای افراد را می شنوند و پاسخ می دهند، به این دلیل است که این محافل نه تنها ضرری به جامعه اسلامی نمی زند و باعث انحراف نمی شود، بلکه جامعه اسلامی را محکمتر و ایدئولوژی آن را استوارتری می سازد. همین عدم ضرر و انحراف، مانع از کارایی حکم عقل به وجوب دفع ضرر محتمل در اینجا میشود. بلکه وجوب طرح این مسائل باطله در جمع متخصصین و برای پاسخ گویی و رفع شبهات را اثبات می نماید چراکه بیان این شبهات و مطالب باطل در اینجا تحت عنوان ضرر قرار نمی گیرد.

با این بیان توضیح آیه «یشتري لهو الحديث لیضل عن سبيله» هم معلوم می شود که در اینجا مصداق پیدا نمی کند چرا که عنوان گمراه سازی مردم اصلا مطرح نیست.

ثالثا پایگاه سازی و تشکیل مقرری برای تقویت حمایت از مطالب و عقائد و رفتار های باطله، به طور شدیدتری شامل حکم ضرر به جامعه شده و به هیچ وجه جائز دانسته نمی شود. زیرا همبستگی باطل یقیناً به نفع جامعه اسلامی نخواهد بود.

در نتیجه می توان چنین گفت که بیان و انتشار عقائد و یا رفتار های باطل در عموم جامعه اسلامی ممنوع بوده و لازم است از این امر جلوگیری شود اما مطرح شدن اینها در محافل علمی برای بررسی یا بیان این اشکالات همراه با جواب ها قانع کنند نه تنها شامل ادله موافقین «فیلترینگ» یا «محدودیت و سرکوب گفتاری» نمی شود بلکه یک نوع رجحانی هم برای بیان در این گونه محافل از جهت دفع ضرر محتمل ممکن است پیدا کند. چرا که به انحراف کشیده شدن جامعه اسلامی ضرری بسیار خطیر می باشد. و پاسخ گویی به آنها دفع این ضرر به حساب می آید.

با توجه به نتیجه گیری مذکور معلوم میشود که در زمان کنونی دسترسی به بسیاری از نرم افزارها و یا برنامه ها و محتویات فضای مجازی یا برخی محافل منکر مثل کنسرت های غیر شرعی و یا خرید و فروش و انتشار آلات اینگونه رفتار های باطل و یا حرام باید تحت عنوان «فیلترینگ و سانسور» یا معادل فارسی آن «محدودیت و سرکوب گفتاری» مطرح شده و حکومت اسلامی مانع انتشار آنها بین عموم مردم باشد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
۵. ثقفی تهرانی، میرزا محمد، تفسیر روان جاوید، تهران، نشر برهان، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ق.
۶. خواجه عبدالله انصاری، رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۷. سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، قم، موسسه امام صادق، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۸. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. صدرای شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، محمد بن ابراهیم، قم، نشر بیدار، تفسیر القرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.
۱۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، و حسینی اشکوری، احمد، مجمع البحرین، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. علامه طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ق.
۱۳. فیض کاشانی، محمدمحسن، تفسیر الاصفی، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. محقق حلی، جعفر بن حسن، طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل (ط. الحدیثه)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۸.
۱۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول، ۱۳۸۷
19. Bazyler, Michael, Holocaust, Genocide, and the Law: A Quest for Justice in a Post-Holocaust World (New York, 2017; online edn, Oxford Academic, 17 Nov. 2016)



A critical look at filtering arguments from the perspective of Islam

Sajjadkoohi

Abstract

The existence of repeated claims and slogans by the Western world and its seemingly new thinking about the rights of individuals and their freedoms has faced a serious challenge to the followers of religions and has forced theorists of every religion to struggle and respond. Islam has not been exempted from this. Some people in the position of Islamology and Islamic theorizing have answered this question, what theory and reaction does Islam have in dealing with people's thoughts and behaviors, especially false ones? Does it prohibit people from speaking and behaving falsely, or does it consider them free in this regard? What makes the case even more important is the completely contradictory opinions of Islamology advocates, and unfortunately, according to these superficial opinions, they adopt completely wrong policies and behaviors or sometimes in the sheriff's procedures.

But according to the arguments presented in this chapter and the examination of about 15 different rational and narrative reasons, it can be concluded that Islam has adopted a detailed and useful approach in dealing with this phenomenon.

Keywords

Freedom, freedom of speech, situational prevention, speech restrictions, speech suppression